مجله علمی پژوهش در روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی، شماره ۲۴، تابستان ۱۴۰۰جلد۲، ص ۷۲-۶۳
http://www.jisc.ir

رابطه بین سبک‌های فرزندپروری پدران و تفکر انتقادی دانش‌آموزان پسر پایه ششم کبودرآهنگ

مجله علمی پژوهش در روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی (سال هفتم)
شماره ۲۴ / تابستان ۱۴۰۰ / ص ۷۲-۶۳

حسین مسیبیان[۱]
[۱]کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، گروه روانشناسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

نویسنده مسئول:
حسین مسیبیان

چکیده

پژوهش حاضر با هدف رابطه بین سبک‌های فرزندپروری پدران و تفکر انتقادی دانش‌آموزان پسر پایه ششم کبودرآهنگ انجام شد. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش انجام، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش را همه دانش‌آموزان پسر پایه ششم کبودرآهنگ که تعداد آنها ۱۷۰۰ نفر هستند، تشکیل داد. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی بود. از جامعه آماری مذکور بر اساس فرمول فیدل و تاباچنیگ (۲۰۰۷) ۱۰۵ نفر انتخاب که به لحاظ احتیاط این تعداد به ۱۲۰ نفر افزایش یافت. ابزار پژوهش شامل سه پرسشنامه استاندارد سبک‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۹۱) و تفکر انتقادی فاسیون و فاسیون (۱۹۹۰) بود. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون به روش همزمان استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS 25 استفاده شد. تحلیل نتایج نشان داد بین تفکر انتقادی دانش‌آموزان و مؤلفه‌های سبک‌های فرزندپروری پدران رابطه معناداری وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های فرزندپروری، تفکر انتقادی.

مقدمه

مطالعات اصلی در زمینه شیوه‌های فرزندپروری[1] به کارهای بامریند[2] (۱۹۷۱) بر می‌گردد (بارتولومی، مونیتل، فیامنجی و ماکادو[3]، ۲۰۱۶) طبق نظر بامریند (۱۹۷۱) شیوه‌های فرزندپروری والدین را می‌توان بر اساس دو بُعد توقع (کنترل رفتاری) و پاسخدهی (گرمای عاطفی و حمایت والدین) به سه شیوه فرزندپروری مستبدانه (توقع بالا، پاسخدهی پایین)، سهل‌گیرانه (توقع پایین، پاسخدهی بالا) و مقتدرانه (توقع بالا، پاسخدهی بالا) دسته‌بندی کرد (میشار و کی ران[4]، ۲۰۱۷).

شیوه‌های فرزندپروری والدین به صورت‌های متفاوتی طبقه‌بندی شده است. به طور کلی، پژوهشگران متعددی چهار شیوه فرزندپروری اساسی مبتنی بر دو شاخص اصلی یعنی محبت[5] والدین (پاسخ‌دهی والدینی) و کنترل والدین (سختگیری والدینی) را طرح‌ریزی کرده‌اند (بامریند، ۲۰۰۰، شافر،[6] ۲۰۰۳؛ زیمرمن، باندورا و مارتینز،[7] ۲۰۰۳) در فرزندپروری مستبدانه، والدین سطوح بالایی از کنترل و سطح پایینی از پاسخ‌دهی را اعمال می‌کنند. آنها از فرزندان خود انتظار اطلاعات داشته و اغلب برای پیشگیری از نافرمانی، فرزندان خود را تنبیه می‌کنند. در فرزندپروری سهل‌گیرانه، والدین بر خلاف والدین سخت‌گیر بسیار پاسخ دهنده بوده و اجازه خودگردانی[8] زیادی را به کودکان می‌دهند و آنها را ملزم به انجام رفتار رشد یافته نمی‌کنند. در فرزندپروری غفلت‌ورزانه والدین در پاسخدهی و سخت‌گیری در سطح پایینی قرار داشته و طرد کننده یا مسامحه کننده‌اند. در شیوه فرزندپروری مقتدرانه، والدین دارای سطح بالایی از کنترل و پاسخدهی بوده و فرزندان آنان اجتماعی و به طور مؤثری با کفایت هستند و مشکلات رفتاری اندکی را نشان می‌دهند (بیگهام،[9] ۲۰۱۰).

به نظر می‌رسد رشد و تعالی یا عدم رشد تفکر انتقادی دانش‌آموزان تحت تأثیر شیوه‌های فرزندپروری والدین باشد، یکی از ویژگی‌های اساسی انسان آگاهی از رفتار خود و برخورداری از نیروی تفکر است. به عبارت دیگر، انسان می‌تواند از رفتار خود آگاه باشد و در برخورد با مسایل و امور متفاوت از نیروی تفکر خود استفاده کند (شریعتمداری، ۱۳۸۲). (جانسون،[10] ۲۰۰۸) تفکر را هر گونه فعالیت ذهنی می‌داند که به فرمول‌بندی یا حل مسأله، تصمیم گرفتن یا برآوردن آرزو کمک می‌کند. در این فعالیت ذهنی، جستجو برای جواب‌ها و رسیدن به معناست.رویکردهای متفاوتی درباره تفکر وجود دارد که می‌توان آنها را دو دیدگاه کلی خلاصه کرد. دیدگاهی که معتقد است تفکر امری واحد نیست و در ابعاد و انواع گوناگون و به شکل‌های متفاوتی بروز می‌کند. اینان قائل به وجود انواع تفکر مثل تفکر منطقی،[11] شهودی،[12] خلاق[13] و انتقادی[14] هستند و معتقدند که انواع تفکر از نظر ماهیت با هم فرق دارند. گروه دیگر وجود انواع تفکر را رد می‌کنند و معتقدند تفکر فرایندی مشخص دارد که در تمامی انواع تفکر مشترک است و ماهیت واحدی دارد (بخشکار، ۱۳۸۹). یکی از انواع تفکر که در بالا ذکر شد، تفکر انتقادی می‌باشد که بعضی از پژوهشگران تعاریفی از آن را بیان می‌کنند (جانسون، ۲۰۰۸)، تفکر انتقادی را فرایند تفکر با روش و قاعده کشف می‌کند که این نه تنها به معنای تعمق هدفمندانه است، بلکه آزمودن مدرک و منطقی است که ما و دیگران از آن استفاده می‌کنیم.

از ویژگی‌های منحصر به فرد انسان و وجه تمایزش از سایر موجودات، برخورداری از نیروی تفکر و خرد ورزی است. از این رو دانشمندان انسان را حیوان متفکر می‌دانند. ویژگی تفکر، انباشت اطلاعات محض نیست. تلاش ذهنی انسان است که هنگام رویارویی با مسایل از آن بهره می‌گیرد و با پویایی و برقراری روابط بین یافته‌ها و سازمان‌دهی آنها، مفاهیم، ایده‌ها، روش‌ها و سازه‌های جدیدی خلق می‌کند، موفق به کشف مجهولات، حل مسایل و یادگیری‌های نو می‌شود. در عصر اطلاعات، افراد به طور دائم با انبوه اطلاعات وداده ها سر و کار دارند و آنها را پردازش و درک می‌کنند. البته بسیاری از افراد به خوبی در این امر موفق نیستند. با اندک دقت به واکنش آنها در مقابل دریافت اطلاعات گسترده و متنوع، مسایل مختلف از قبیل پذیرش بی‌چون و چرای اطلاعات، تقلید کورکورانه، قضاوت عجولانه، تعصبات منفی ذهنی به امور و دید تک بُعدی آنها به چشم می‌خورد. از نظر (نلسون،[15] ۲۰۱۰) تفکر انتقادی به مجموعه تلاش‌های سازمان یافته، هدفمند و جدی برای فهم دنیای پیرامون اطلاق می‌شود که با ارزیابی دقیق ما از تفکرات خود و تفکرات دیگران به منظور روشن‌سازی و بهبود

1 . parenting practices
2 . Baumrind
3 . Bartholomeu, Montiel, Fiamenghi & Machado
4 . Mishar & Kiran
5 . affection
6 . Scheafer
7 . Zimmerman, Bandura & Martinez
8 . autonomy
9 . Bigham
10. Johnson
11 . reasonable
12 . Intuitive
13 . creative
14 . critical thinking
15 . Nelson

فهم ما صورت می‌گیرد. مجهز ساختن افراد به مهارت‌های تفکر انتقادی باعث می‌شود که آنها به این موضوع آگاه شوند که اکتشاف و پیشرفت‌های علمی، به تنهایی نمی‌تواند جامعه را هدایت کند، بلکه این جامعه و افراد آن هستند که باید اکتشاف و پیشرفت‌های علمی را به بهترین وجه کنترل و هدایت کنند (گان، گریگ و پومه،[1] ۲۰۰۸). تفکر انتقادی افراد را قادر می‌سازد تا به طور مؤثری، اطلاعاتی را که از طریق مطالعه کتاب، اینترنت و دانشگاه، درباره نظریه‌های رایج، معیارها یا استانداردهای موجود و روش‌های مورد استفاده، به دست آورده‌اند، ارزیابی و سازماندهی کنند و به میزان صحت، ارزشمندی و اعتبار آنها، از طریق روش استدلالی پی ببرند و به این ترتیب آنها را در تصرف خود درآوردند. تفکر انتقادی باعث توسعه توانایی پژوهش، حل مسأله،[2] تصمیم‌گیری،[3] بهره بردن از دیدگاه‌های مختلف و یادگیری مادام‌العمر در افراد می‌گردد. مجموع این قابلیت‌ها باعث می‌شود تا دانش‌آموزان قادر به حل مشکلات ملی، علمی و عملی باشند (اسنایدر و مارک،[4] ۲۰۰۸).

تفکر انتقادی باعث می‌شود که افراد نه تنها درباره رشته تخصصی خود دانش یا اطلاعات کافی داشته باشند بلکه، درباره اجتماع، سیاست، مسایل متغیر جهان و چالش‌های اخلاقی روزانه زندگی در جهان پیچیده امروز، دقیق‌تر تصمیم‌گیری نمایند و به ارائه و توسعه راه حل‌های در دست برای آنها اقدام نمایند. تفکر انتقادی باعث می‌شود افراد به این نکته پی ببرند که چگونه هنجارهای مختلف بر افکار آنها تأثیر می‌گذارد، و این که چگونه ایده‌هایشان را کاملاً بر اساس بررسی‌ها و استدلال‌هایشان مورد بررسی و استفاده قرار دهند (فاسیک،[5] ۲۰۰۷). پیشرفت در مهارت تفکر انتقادی اغلب جزو مهمترین دلایل برای آموزش‌های رسمی است، زیرا که توانایی تفکر انتقادی برای موفقیت در دنیای امروزی که به سرعت در حال پیشرفت است ضروری می‌باشد (مرین و هالپرن،[6] ۲۰۱۱).

به صورت کلی می‌توان گفت، با توجه به نقش ضروری و بسیار با ارزش تفکر انتقادی، فقدان یا رشد ناکافی تفکر انتقادی می‌تواند مسایل و موضوعات بسیار مهمی در زندگی آتی یادگیرنده به دنبال داشته باشد، کشور بدون داشتن افراد منتقد و متفکر، پیشرفت علمی مناسب نخواهد داشت، جامعه به افرادی احتیاج دارد که برای ساختن آینده خود و دیگران، قدرت تجزیه و تحلیل مسایل را داشته و بهترین نحو ممکن بهترین راه حل را برای مشکل بیابند، آینده کشور با کسانی که فقط اطلاعات را در ذهن خود انباشته، تضمین نخواهد شد، پرورش یادگیرندگان بدون داشتن افراد منتقد و متفکر، چیزی جز اتلاف وقت و سرمایه نیست. بنابراین تردیدی نیست که مهمترین نقشی که آموزش و پرورش امروز می‌تواند در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان به ویژه از دوره ابتدایی که حساس‌ترین و مهمترین دوره شکل‌گیری کودکان از جنبه‌های مختلف می‌باشد ایفا کند شکوفایی و پرورش توانایی خلاقیت در آنان است.

با عنایت به مطالب فوق و با توجه به این که پژوهشی با این عنوان تا کنون صورت نگرفته لذا پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این سؤال است که آیا بین سبک‌های فرزندپروری پدران و تفکر انتقادی دانش‌آموزان پسر پایه ششم کبودرآهنگ رابطه وجود دارد؟

پیشینه تحقیق

پژوهش‌هایی در این رابطه در ایران و خارج از ایران انجام شده که عبارتند از: اقبال‌نیا و قربانی (۱۳۹۷) بین شیوه فرزندپروری والدین با تفکر انتقادی و هوش هیجانی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بهرامی‌هیدجی، سوداگر، مسچی و جعفری‌آذر (۱۳۹۶) بین سبک تفکر با شیوه‌های فرزندپروری والدین آنها رابطه دارد. شیوه‌های فرزندپروری والدین می‌توانند سبک‌های تفکر دانش‌آموزان دختر را پیش‌بینی کنند. دهقانی فیروزآبادی و اخوت (۱۳۹۴) بین سبک‌های فرزندپروری والدین با تفکر انتقادی معنادار است. جوکار و گلشنی (۱۳۹۳) بین سبک‌های هویت و تفکر انتقادی ارتباط معنادار وجود دارد. همچنین بین شیوه‌های فرزندپروری با تفکر انتقادی رابطه معنادار وجود دارد. سهم سبک هویت تعهد و شیوه فرزندپروری بی‌اعتمادی، پذیرش، ایثار در پیش‌بینی تفکر انتقادی بیشتر است. عماری و جاویدی سیامک سامانی (۱۳۹۳) بین شیوه‌های فرزندپروری و ویژگی‌های شخصیتی ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد، بین سبک‌های فرزندپروری و تفکر انتقادی رابطه معنادار وجود دارد.

همچنین هونگ، وانگ، یو، شن، وانگ، زو و همکاران[7] (۲۰۱۵) در پژوهش خویش از تأثیر معنادار سبک‌های والدگری و تفکر والدین بر توانایی شناختی فرزندان گزارش کردند و بیان کردند که سبک‌های والدگری توأم با گرمی، همدلی و درک متقابل و سبک تفکر والدین، تا حد زیادی شکل‌گیری تفکر انتقادی و باز را در فرزندان پیش‌بینی می‌کند. چابراک و کریج[8] (۲۰۱۲) دانش‌آموزان با والدین منطقی، تفکر

1 . Gunn , Grigg & Pomahac
2 . problem solving
3 . Decision Making
4 . Snyder & Mark
5 . Fasyk
6 . lisa , Marin , Diane & Halpern
7 . Huang, Wang, Yao, Shan, Wang, Zhu, Lu, Sun & Zhao
8 . Chabrak & Craig

انتقادی و عملکرد تحصیلی بهتری داشتند. روزن، چیور و کریر[1] (۲۰۰۸) سبک فرزندپروری مبتنی بر تحمیل و اجبار و فقدان حمایت به ایجاد تفکر منفعل منجر خواهد شد. گنزالس‌دی‌هاس، آلیسا، ویلیامز، هولبین و دان[2] (۲۰۰۵) سبک‌های فرزندپروری والدین در رفتارهای خود استقلالی فرزندان تأثیر دارد و منجر به تفکر انتقادی فرزندان می‌شود. استاپز- رو و کوچران[3] (۲۰۰۳) در پژوهشی با عنوان رفتارهای باز دارنده والدین و تفکر خلاق و انتقادی دریافتند بیشتر والدین رفتارهای باز دارنده تفکر خلاق و انتقادی، از جمله اطاعت و تکریم دیگران، انطباق با گروه و رفتارهای اجتماعی سازگارانه را در کودکان تشویق می‌کنند.

روش پژوهش

روش پژوهش: پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر زمان یک پژوهش مقطعی، از لحاظ نوع داده‌ها کمی و از نظر روش تحقیق، توصیفی از نوع همبستگی است. **جامعه آماری:** جامعه آماری پژوهش را همه دانش‌آموزان پسر پایه ششم کبودرآهنگ که تعداد آنها ۱۷۰۰ نفر هستند، تشکیل داد. **نمونه آماری و روش نمونه‌گیری:** از جامعه آماری مذکور بر اساس فرمول فیدل و تاباچنیگ (۲۰۰۷) ۱۰۵ نفر انتخاب که به لحاظ احتیاط این تعداد به ۱۲۰ نفر افزایش یافت. (به موازات انتخاب ۱۲۰ دانش‌آموز، ۱۲۰ نفر از پدران دانش-آموزان نیز انتخاب و پرسشنامه تفکر انتقادی توسط دانش‌آموز و پرسشنامه شیوه‌فرزندپروری ، توسط پدران آنها تکمیل شد) روش نمونه-گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تصادفی است. بدین صورت که از شهر کبودرآهنگ ۵ مدرسه پسرانه انتخاب و از هر مدرسه ۲۴ دانش‌آموز پسر تعیین و پرسشنامه‌ها در بین آنها توزیع و داده‌های مورد نیاز گردآوری شد.

ابزار پژوهش

پرسشنامه فرزندپروری

این ابزار اقتباسی است از نظریه اقتدار والدین که بر اساس نظریه بامریند (۱۹۹۱) از آزادگذاری، استبدادی و اقتدار منطقی والدین، برای بررسی الگوهای نفوذ و شیوه‌های فرزندپروری ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده آن به شیوه آزادگذاری مطلق، ۱۰ ماده آن به شیوه استبدادی، و ۱۰ ماده دیگر به شیوه اقتدار منطقی، والدین در امر پرورش فرزند مربوط می‌شوند. در این پژوهش آزمودنی‌ها که مادران نمونه‌های مورد مطالعه بودند باید با مطالعه هر ماده، نظر خود را با علامت ضربدر بر حسب یک مقیاس ۵ درجه‌ای (کاملاً مخالفم، مخالفم، تقریباً مخالفم و موافقم) مشخص کنند که بعداً و به ترتیب از صفر تا ۴ نمره‌گذاری شده و با جمع نمرات، ۳ نمره مجزا در مورد آزادگذاری مطلق، استبدادی و اقتدار منطقی برای هر آزمودنی به دست می‌آید. **مؤلفه‌های پرسشنامه:** مؤلفه شیوه آزادگذاری، (۱۰ عبارت). (۱، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۹، ۲۴، ۲۸، ۲۹). مؤلفه شیوه استبدادی، (۱۰ عبارت). (۲، ۳، ۷، ۹ ، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۲۱، ۲۵، ۲۶). مؤلفه شیوه اقتدار منطقی(۱۰ عبارت). (۴، ۵ ،۸، ۱۲، ۱۵،۲۰، ۲۲ ،۲۳،۲۷، ۳۰). **روایی و پایایی:** بوری[4] (۱۹۹۲) از روش بازآزمایی، پایایی این ابزار را در مادران و پدران به ترتیب برای شیوه‌های سهل‌گیرانه، ۰/۸۱ و ۰/۷۷، شیوه استبدادی ۰/۸۶ ، و ۰/۸۵ و برای شیوه مقتدرانه ۰/۸۷ و ۰/۸۸ گزارش کرده است. وی همچنین روایی تشخیصی این پرسش‌نامه را معتبر گزارش نموده است (شهامت، ثابتی و رضوانی، ۱۳۸۹). پایایی این آزمون را به روش باز آزمایی برای سبک سهل‌گیرانه ۰/۶۹، برای سبک استبدادی ۰/۷۷ و برای سبک دموکراتیک یا اقتدار منطقی ۰/۷۳ محاسبه کرده است.

پرسشنامه تفکر انتقادی

فاسیون و فاسیون در سال (۱۹۹۰) به منظور سنجش تفکر انتقادی بزرگسالان آزمون مهارت‌های تفکر انتقادی کالیفرنیا را در دو فرم موازی (الف) و (ب) تهیه کردند. فرم (ب) این آزمون شامل ۳۴ سؤال چند گزینه‌ای است که برای ارزشیابی تفکر انتقادی در سطوح بعد از دبیرستان طراحی شده است. این آزمون، مهارت‌های تفکر انتقادی محوری را که در آموزش دانشگاهی به عنوان عناصر اصلی در نظر گرفته می‌شود، اندازه می‌گیرد. محدوده سؤالات در برگیرنده مواردی است که تحلیل معنایی از یک جمله تا تلفیق پیچیده‌تر مهارت‌های تفکر انتقادی را اندازه‌گیری می‌کند. پاسخ‌گویی به برخی موارد این پرسش‌نامه، مستلزم استخراج استنباط صحیح از یک سری پیش فرض‌ها و پاسخ‌گویی به برخی موارد لازم دیگر، مستلزم ارزیابی و توجیه مستدل یک نتیجه‌گیری است. پاسخ‌گویی به دسته دیگری از سؤال‌ها، مستلزم اعتراض به استنتاج‌های ارائه شده، توجیه و ارزشیابی این اعتراضات است. در طراحی این آزمون یک زمینه عمومی دانش

1 . Rosen, Cheever & Carrier
2 . Gonzalez- DeHass, Alyssa, Willems, Patricia, & Holbein & Doan
3 . Stopes- Roe, Mary & Cochrane
4 . Buri

که به سادگی در نتیجه بلوغ طبیعی و در مدارس ابتدایی و دبیرستانی قابل دستیابی است، مفروض شده است. هیچ دانش محتوایی در سطح دانشگاهی که برای رشته‌ها اختصاصی باشد، برای پاسخ‌گویی به این سؤالات مورد نیاز نیست.

آزمون مهارت‌های تفکر انتقادی کالیفرنیا این مهارت‌ها را اندازه می‌گیرد: مهارت‌های تفسیری شامل: طبقه‌بندی، رمزگشایی جملات، روشنگری معنا، بررسی ایده‌ها و تحلیل ایده‌ها؛ مهارت‌های استنباطی شامل: جستجو برای شواهد، گمانه‌زنی در مورد جایگزین‌ها و استخراج نتایج؛مهارت‌های ارزشیابی شامل: ارزشیابی ادعاها؛ ارزشیابی بحث‌ها، بیان نتایج، توجیه رویه‌ها، و ارائه استدلال؛ استدلال قیاسی شامل: استدلال منطقی در ریاضیات،استدلال استقرایی شامل: نتیجه گیری از بحث به دنبال رویارویی با حقایق مربوط به پیش فرض‌ها.

از تحلیل سؤالات این آزمون، در مجموع شش نمره با پنج زیر مقیاس: تحلیل و تفسیر، ارزشیابی استنباط‌ها، استخراج استنباط‌های منطقی، استدلال استقرایی و استدلال قیاسی به دست می‌آید. این ابزار برای ارزشیابی توانایی تفکر منطقی (ارزشیابی اثربخشی برنامه، پژوهش و آموزش مداوم) مفید است.

پایایی و روایی: فاسیون و فاسیون (۱۹۹۰) پایایی این آزمون را که با استفاده از فرمول کورد ریچاردسون ۲۰- مورد ارزیابی قرار گرفته است، بین ۰/۷۸ تا ۸۰/ گزارش کرده‌اند. بابامحمدی و خلیلی (۱۳۸۳) نیز پایایی پرسشنامه مهارت‌های تفکر انتقادی کالیفرنیا را ۰/۶۲ گزارش کرده است. **اعتبار خارجی**: نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که این آزمون با معدل نمرات دانشجویان، نمرات استعداد ریاضی و دروس شفاهی آنها و نمرات آزمون خواندن نلسون – دنی همبستگی مثبت معناداری دارد. **اعتبار ایرانی**: نتیجه تحلیل عاملی در تعیین اعتبار سازه آزمون حاکی از آن بود که آزمون از پنج عامل (تحلیل، استنباط، ارزشیابی، استدلال استقرایی و استدلال قیاسی) تشکیل شده است که همه پنج عامل، با نمره کل آزمون همبستگی مثبت و بالایی داشته است. همچنین آزمون مذکور قادر به تمیز اختلاف سطح مهارت‌های تفکر انتقادی بین دانشجویان پرستاری و فلسفه بوده است.

توصیف داده‌ها:

۲۲ درصد از نمونه را دانش‌آموزان ۱۱ ساله و ۷۸ درصد نمونه را دانش‌آموزان ۱۲ ساله تشکیل داده‌اند. ۱۶ درصد زیر ۲۰ سال، ۴۳ درصد بین ۲۱ تا ۳۰ سال و ۴۱ درصد بالای ۳۰ سال هستند. ۲۵ درصد زیر دیپلم، ۲۷ درصد نمونه دارای تحصیلات کاردانی، ۳۴ درصد دارای تحصیلات لیسانس و ۱۴ درصد فوق لیسانس هستند.

بررسی مفروضه‌های تحلیل رگرسیون

- **سطح داده‌های فاصله‌ای:** سطح متغیرهای پیش‌بین و ملاک، زمانی که از spss برای برآورد پارامترها استفاده می‌شود باید حداقل فاصله‌ای باشد، که در این پژوهش از داده‌های فاصله‌ای استفاده شده است. همچنین متغیرهای پیش‌بین از نوع فاصله‌ای است.

- **آزمون مستقل بودن داده‌ها:** این آزمون با استفاده از آماره دوربین واتسون اندازه‌گیری می‌شود. اگر آماره دوربین واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد نشان می‌دهد که این پیش فرض رعایت شده است. در این پژوهش آماره دوربین واتسون ۱/۸۲ به دست آمد که نشان می‌دهد این پیش فرض رعایت شده است.

- **نرمال بودن توزیع صفات:** توزیع نمره‌های متغیر وابسته در جامعه برای هر ارزش متغیر مستقل بایستی به صورت نرمال باشد. برای بررسی این مفروضه آماره کولموگروف اسمیرنف با استفاده از spss مورد بررسی قرارگرفت که در جدول ۴-۴ ارائه شده است.

جدول ۱- آماره کولموگروف اسمیرنف جهت بررسی نرمال بودن

متغیرها	آماره z	dF	سطح معناداری
تفکر انتقادی	۰/۱۰	۱۲۰	۰/۰۷

نتایج بررسی نرمال بودن متغیرها با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنف نشان داد متغیر پژوهش دارای توزیع نرمال است

- **چند هم خطی:** جهت بررسی این پیش فرض اساسی از شاخص Toleranceو VIF استفاده شد و نتایج نشان داد از آنجایی که در همه متغیرها مقدار Tolerance کمتر از ۰/۱ نبوده و شاخص VIF نیز بیشتر از ۱۰ نبود بنابراین چند هم خطی وجود ندارد.

جدول۲- بررسی چند هم خطی

متغیر	Tolerance	VIF
تفکر انتقادی	۰/۸۳	۲/۳۴
سبک آزادگذاری	۰/۴۸	۱/۰۱
سبک استبدادی	۰/۵۸	۱/۱۲
سبک اقتدار	۰/۷۴	۱/۰۸

تحلیل داده‌ها

۱- بین سبک‌های فرزندپروری پدران و تفکر انتقادی دانش‌آموزان پسر پایه ششم کبودرآهنگ رابطه وجود دارد.

جهت بررسی این فرضیه پژوهشی از همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. پیش فرض‌های این روش با روش رگرسیون یکسان است.

جدول ۳ ضریب همبستگی سبک‌های فرزندپروری پدران و تفکر انتقادی دانش‌آموزان

متغیر	۱	۲	۳	۴
۱.تفکر انتقادی	۱			
۲. آزاد گذار	-۰/۰۱	۱		
۳. استبدادی	۰/۰۴	**۰/۶۵	۱	
۴. اقتداری	-۰/۰۵	**۰/۴۶	**۰/۴۰	۱

P<0/01**

نتایج جدول نشان می‌دهد که بین تفکر انتقادی دانش‌آموزان و مؤلفه‌های سبک‌های فرزندپروری پدران رابطه معناداری در سطح ۰/۰۵ وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل نتایج نشان می‌دهد بین تفکر انتقادی دانش‌آموزان و مؤلفه‌های سبک‌های فرزندپروری پدران رابطه معناداری در سطح ۰/۰۵ وجود ندارد.نتیجه این یافته با یافته‌های اقبال‌نیا و قربانی (۱۳۹۷)، بهرامی‌هیدجی و همکاران (۱۳۹۶)، دهقانی فیروزآبادی و اخوت (۱۳۹۴)، جوکار و گلشنی (۱۳۹۳)، عماری و جاویدی سیامک سامانی (۱۳۹۳)، هونگ و همکاران (۲۰۱۵)، چابراک و کریج (۲۰۱۲)، روزن و همکاران (۲۰۰۸) گنزالس‌دی‌هاس و همکاران (۲۰۰۵) و استاپز- رو و کوچران (۲۰۰۳) ناهمخوان است. در تبیین این یافته می‌توان گفت منظور از سبک‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۹۱) سبک‌های فرزندپروری را تفاوت در تلاش‌های پدر و مادر برای کنترل و اجتماعی کردن فرزندانشان تعریف می‌کند (برک[1]، ۲۰۰۴؛ ترجمه سیدمحمدی، ۱۳۹۷) و این نکته بیشتر مرتبط با روش‌هایی است که والدین به کار می‌برند تا فرزند خود را با اصول و شیوه‌های صحیح پرورش دهند و منظور از تفکر انتقادی عبارت است از بصیرت، عقلانیت، تفکر تأملی، شناسایی مفروضات زیربنایی، حل مسأله، تصمیم‌گیری، خلاقیت، استنباط و ارزیابی (پیج و مکورجی[2]، ۲۰۰۷؛ سزر[3]، ۲۰۰۸). دقت در این دو متغیر نشان می‌دهد که هر کدام هدفی مجزا از دیگری دارد.

بر خلاف یافته پژوهش حاضر، که نشان داد بین تفکر انتقادی و سبک‌های فرزندپروری رابطه‌ای وجود ندارد، هونگ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خویش از تأثیر معنادار سبک‌های والدگری و تفکر والدین بر توانایی شناختی فرزندان گزارش کردند و بیان کردند که سبک‌های والدگری توأم با گرمی، همدلی و درک متقابل و سبک تفکر والدین، تا حد زیادی شکل‌گیری تفکر انتقادی و باز را در فرزندان پیش‌بینی می‌کند. گفته شد که سه نوع سبک فرزندپروری داریم دموکراسی، دیکتاتوری و یا منطقی و تفکر انتقادی جز در محیطی امن و آرام که رویکردهای مختلف فکری قابلیت رشد و نمو داشته باشند، شکل نمی‌گیرد، در این رابطه باید گفت، بنا به دلایل مسایل شغلی، مشکلات و شرایط خانواده ممکن است پدران نتواند زمینه رشد تفکر انتقادی را در فرزندان فراهم کنند. برای رشد تفکر انتقادی راه‌های زیادی وجود دارد که یکی از آنها ارتباط برقرار کردن درست با دیگران است، در این رابطه ممکن است دانش‌آموز نتواند با پدر خود ارتباط درستی داشته باشد، همین طور بالعکس ممکن است پدران نتوانند با فرزند خود ارتباط درستی داشته باشند، برقراری ارتباط صحیح و سالم با دیگران مستلزم شناخت عواطف و هیجانات خود و دیگری است تا کنش‌ها و واکنش‌های درست و به موقع ایجاد شود، در این رابطه نیز دانش‌آموز پایه ششم ممکن است به مرحله شناخت درست عواطف و هیجانات خود نرسیده باشد، که بتواند به درستی کنش و واکنش مناسب از خود نشان دهد.

همین طور یکی از شرایطی که تفکر انتقادی و خلاق بتواند در فرزندان پیشرفت داشته باشد، استقلال، حمایت منطقی، آزادی ابراز عقیده، جو عاطفی مبتنی بر اصول دموکراسی و آزادی اختیار است و کمتر این عوامل در خانواده و شیوه‌های فرزندپروری آنها اعمال می‌شود. در ادامه می‌توان گفت، انسان از نوع صحیح تحریک و چالش عقلانی لذت می‌برد و از معماهایی که می‌تواند حل کند، خوشحال می‌شود (فیشر[4]، ۲۰۰۵). در این رابطه پدران ممکن است با سبک فرزندپروری مستبدانه یا سهل‌گیرانه خود این لذت را از فرزند خود بگیرند و مانع رشد تفکر انتقادی شوند.

همچنین گنزالس‌دی‌هاس و همکاران(۲۰۰۵) در پژوهش خود به نقش آگاهی والدین و تفکر آنها نسبت به محیط خانوادگی اشاره کرده‌اند که مؤید رفتارهای خود استقلالی در فرزندان است و به افزایش تفکر انتقادی و خلاق منجر می‌شود و استاپز- روی، کوکرانه (۲۰۰۰) نیز دریافتند که بیشتر والدین رفتارهای باز دارنده تفکر خلاق، از جمله اطاعت و تکریم دیگرن، انطباق با گروه و رفتارهای سازگارانه را در کودکان خود تشویق می‌کنند.

ممکن است والدین با سبک فرزندپروری منطقی خود بخواهند فرزند خود را منتقد و متفکر پرورش دهند، اما باید توجه داشت که صِرف داشتن مهارت تفکر انتقادی کافی نیست و شخص باید نسبت به این نوع از تفکر گرایش هم داشته باشد. پرافتو[5] (۲۰۰۳) بیان کرده است که تفکر انتقادی شامل دو جنبه مهارت و گرایش به تفکر انتقادی است جنبه مهارت تفکر انتقادی بر راهبردهای شناختی و جنبه گرایش به تفکر انتقادی، بر اجزای نگرشی تفکر و انگیزه پایدار درونی برای حل مسأله تأکید دارد. در همین راستا لیپمن و انیس[6] (۲۰۰۳) نیز تفکر انتقادی را حداقل دارای دو عنصر اساسی می‌دانند، یک عنصر بررسی و ارزیابی دلایل، که مستلزم کسب مهارت‌های لازم برای درک درست و ارزیابی دلایل و ادعاهاست و دیگری روحیه و گرایش به تفکر انتقادی که شامل آمادگی‌ها، نگرش‌ها و خصوصیات ذهنی و صفات شخصی است. گزارش دلفی این خصوصیات و صفات لازم را به این ترتیب بیان می‌کنند که متفکر انتقادی ایده‌آل بر حسب عادت

1 . Berk
2 . Page & Mukherjee
3 . Sezer
4 . Fisher
5 . Profetto
6 . Lipman & Ennis

کنجکاو، بصیر، بی‌تعصب، منعطف، بی‌طرف در قضاوت، صادق در مواجهه با تعصبات شخصی، محتاط در قضاوت، حاضر به تجدید نظر کردن، صریح در مباحث، منظم در انجام مهارت‌های پیچیده، سختکوش در جستجوی اطلاعات مرتبط و معقول در انتخاب معیار است و نیز متمرکز در تحقیق پایدار در جستجوی نتایج است، که همانند موضوع و شرایط تحقیق اهمیت دارد (راد و مور[1]، ۲۰۰۳). همه این نکات اشاره به این دارد که گرایش به تفکر انتقادی باید از درون فرد سرچشمه بگیرد و نقش و اهمیت سبک‌های فرزندپروری والدین در این رابطه کم‌رنگ می‌شود.

این پژوهش نیز با محدودیت‌های مواجه بود از جمله: ۱- از آن‌جا که ابزارسنجش متغیرها از نوع‌ابزار خودگزارش‌دهی است، تکمیل پرسشنامه‌ها تا حد زیادی تحت تأثیر علائق خود یا خودنمایی و استراتژی مدیریت برداشت قرار می‌گیرد. بهتر است برای اطمینان یافتن از نتایج در کنار ابزارهای خودگزارش‌دهی، از روش‌های دیگری مانند مشاهده، مصاحبه استفاده شود. ۲- گروه نمونه مورد مطالعه حاضر تنها در شهر کبودرآهنگ انتخاب شد. از این رو تعمیم نتایج و به کارگیری ابزار برای مناطق و شهرهای دیگر با توجه به گستردگی فرهنگی و نژادی، و همچنین روی گروه‌های نمونه دیگر باید با احتیاط انجام پذیرد. ۳- محافظه‌کارانه پاسخ دادن پاسخگویان و نظر واقعی خود را اعلام نکردن.

در راستای نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود:۱- سبک صحیح فرزندپروری را به صورت جزوه، کارگاه آموزشی، جلسات خاص و غیره به پدران آموزش داد تا بتواند تضمین کننده تفکر انتقادی دانش‌آموزان باشد. ۲- خردمندی پدران، به عنوان عامل مؤثر در ایجاد تفکر انتقادی در فرزندان، زمینه را برای توجه بیشتر به فرایند خردمندی و نقش خرد در پرورش فرزندانی منتقد و موفق فراهم می‌نماید.

تشکر و قدردانی: از همه افرادی که با سعه صدر در این پژوهش، پژوهشگران را یاری نمودند صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نمایم.

1 . Rudd & Moore

الف) فهرست منابع فارسی

اقبال‌نیا، زهره و قربانی، سیدعلی (۱۳۹۷). **بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با تفکر انتقادی و هوش هیجانی دانش-آموزان پایه دهم شهرستان مه ولات.** پنجمین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی علوم تربیتی و سبک زندگی.

بابامحمدی، حسن و خلیلی، حسین (۱۳۸۳). **مهارت‌های تفکر انتقادی دانشجویان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی سمنان.** مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی.۴(۱۲)، ۳۱-۲۳.

بخشکار، فاطمه (۱۳۸۹). **رابطه بین مهارت‌های تفکر انتقادی و سلامت روانی دانش‌آموزان مقطع پیش دانشگاهی شهر همدان.** پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی، دانشگاه بوعلی سینای همدان.

برک، لورا (۲۰۰۴). **روان‌شناسی رشد تا پایان زندگی (عمر) جلد دوم.** ترجمه سیدمحمدی، یحیی(۱۳۹۷). نشر ارسباران.

بهرامی‌هیدجی، سوداگر، مسچی و جعفری‌آذر (۱۳۹۶). **پیش‌بینی سبک‌های تفکر دانش‌آموزان بر اساس شیوه‌های فرزندپروری والدین آنها.** اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی.

جوکار، فاطمه و گلشنی، فاطمه (۱۳۹۳). **رابطه شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های هویت با تفکر انتقادی.** پایان‌نامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی - دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

دهقانی‌فیروزآبادی، فاطمه و اخوت، علی‌محمد (۱۳۹۴). **بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین بر تفکر انتقادی دانش‌آموزان دختر پایه ششم ابتدایی.** کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم رفتاری و اجتماعی.

شریعتمداری، علی (۱۳۸۲). **روان‌شناسی تربیتی.** تهران. انتشارات امیر کبیر.

شهامت، فاطمه. ثابتی، علی‌رضا و رضوانی، سمانه (۱۳۸۹). **بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری و طرحواره‌های ناسازگار اولیه،** مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، ۱۱(۲)، ۲۵۴-۲۳۹.

عماری، فاطمه و جاویدی‌سیامک‌سامانی، حجت‌اله (۱۳۹۳). **رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری، ویژگی‌های شخصیتی با تفکر انتقادی در دانش‌آموزان دوره متوسطه شیراز.** پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

ب) فهرست منابع انگلیسی

Bartholomeu, D., Montiel, J. M., Fiamenghi G.A. and Machado, A.A. (2016). **Predictive power of parenting styles on children's social skills:** A Brazilian sample, www. Sagepub.Com.

Baumrind D (2000) .**The effects of authoritative parental control on child behavior.** Child development;37(2): 887-907.

Baumrind D. (1971). **The influences of parenting style on adolescent competence and subs stance use.** J Early Adobes; 11:56-95.

Baumrind, D. (1991). **Effective parenting during the early adolescent transition, In P. A. Cowan and E. M. Hetherington (Eds.),** Advances in family research series. Family transitions (pp. 111-163), Hillsdale, NJ, US: Lawrence Erlbaum Associates, Inc.

Bigham H. (2010). **The relationship between obsessive-compulsive disorder and parenting styles of authority rational democratic and despotic.** [Thesis]. Tehran Psychiatry Institute.

Buri, J. P. (1992). **An instrument for the measurement of parental authority prototypes. Paper presented at the Annual Meeting of the Midwestern Psychological Association.** Available: 306- 471.

Chabrak Nihel and Craig Russell (2012). **Student imaginings, cognitive dissonance and critical thinking Critical Perspectives on Accounting**, 1.1-14.

Facione, P. A., Facione, N. C., (1990). **California Critical ThinkingDisposition Administrative and Policy Studies School of Education**.Retrieved on Jan.142008 from http:// etd.library.

Fasick, L. (2007). **Using Shakespeare's plays to teach critical thinking and writingskills: teaching English in the towyear college.** 35(2), 197. journals. proquest education.

Fisher R. (2005). **Teaching Thinking:** Philosophical Enquiry in the Classroom, London: Continuum.

Gonzalez- DeHass, Alyssa R., Willems, Patricia P., & Holbein, Maria F. (2005). **"Examining the Relationship Between Parental Involvement and Student.** " Motivation. Educational Psychology Review**,** 17(2): 99- 123.

Gunn, M. T., & Grigg, M. L., & Pomahac, A. G. (2008). **Critical thinking in scienceeducation: can bioethical Issues and questioning strategies Increase Scientificunderstandings?** The journal of Educational thought. 42(2), 162. Pro Quest educationjournals.

Huang, L., Wang, Z., Yao, Y., Shan, Ch., Wang, H., Zhu, M., Lu, Y., Sun, P., & Zhao, X. (2015**). Exploring the association between parental rearing styles & medical students' critical thinking disposition in China.** BMC medical education, 15(88), 2-8.

Johnson E. (2008). **Contextual teaching and learning, What it is and why it's here to stay. London:** Corwin press; 212.

Lipman, M. Ennis, R. H. (2003), Thinking in education. New York: Cambridge University Press.

Marin, L. M., Halpern, D. F. (2011). **Pedagogy for developing critical thinking in adolescents: Explicit instruction produces greatest gains.** Thinking Skills and Creativity, 6: 1-13.

Mishar, P. and Kiran, U.V. (2017). **Parenting style and social anxiety among adolescents.** International Journal of Applied Home Science, 5(1): 117-123.

Nelson, T. O (2010). **Meaning of critical thinking.** Critical thinking and Education. Cambridge university press.

Page, D., & Mukherjee, A. (2007). **Promoting Critical thinking skills by using negotiation exercises.** Copyright Heldref publications. 251.

Profetto, M. G. J. (2003). **The relationship of critical thinking skills and critical thinking dispositions of baccalaureate nursing students.** Journal Advance Nurse, 43(6), 569-577.

Rosen, L. D., Cheever, N. A., & Carrier, L. M. (2008). **Theassociation of parenting style and child age with parental limit setting and adolescent my space behavior**.Journal of AppliedDevelopmental Psychology,29, 450-471.

Rudd, R.D.,& Moore, L.L.(2003). **Undergraduate Agriculture Student Critical Thinking Abilities and Anticipated Career Goals: Is There a Relationship?** Journal of Southern Agricultural Education Research, 53(1), 127-139.

Scheafer E SA. (2003) **Circumflex model for maternal behavior.** Journal of abnormal and social psychology; 59(2): 226-235.

Sezer, R. (2008). **Integration of critical thinking skills into elementary school teacher education courses in mathematics.** Education. 128(3), 349. proquest education journals.

Snyder, L., & Mark. J. (2008). **Teaching critical thinking and problem solving skills.** The Delta Pi Epsilon Journal, Volume l, No. 2.

Stopes- Roe, Mary & Cochrane, Raymond,*(2000)*. **"The child- rearing values of Asian and British Parents and young people; An inter-ethnic and intergenerational comparison in the evaluations of Kohns 13 qualities.** *"* British Journal of Social Psychology**,** 29:149-160.

Zimmerman B J, Bandura A, Martinez P M. (2003). **Self-motivation for academic attainment. The role of self-efficacy beliefs and personal goal setting.** American educational research journal; 26(3): 663-676.